

کتاب دانیال — شماره نود و پنج

برملا کرڻ ٻي فرشتي جي پيغام جي نبوي اهميت کي

Jeff Pippenger

2024-02-28

در تاريخ حرکت هر دو فرشته اول و سوم، اين پيام را مي توان در پيام فرشته دوم خلاصه کرد.

नगर महान वह, गया गरि, गया गरि बाबुल, "था कहता जो, आया स्वर्गादूत और एक पीछे-पीछे उसके और
प्रकाशतिवाक्य" है। पलाई को जातियों सब दाखमधु की प्रचण्डता की व्यभिचार अपनी उसने क्योंकि

14:8

فرشته دوم، برای آنان که می خواهند ببینند، کاربرد سه گانه نبوت را مشخص می سازد. فرشته دوم پیامی نبوی را عرضه می کند، و آن پیام این است که بابل دو بار سقوط کرده است. او بابل را به عنوان آن «شهر عظیم» معرفی می کند که در باب های هفدهم و هجدهم به عنوان بابل مدرن شناخته شده است. بابل مدرن دو بار سقوط کرده است، و سقوط او از آن رو پدید آمد که همه امت ها را واداشت تا «از خشم زنای او بنوشند.» زنای او با پادشاهان زمین به انجام رسید. آن رابطه به او اجازه داد تا نیروی پادشاهانی را که با ایشان زنا کرده بود، برای اجرای «خشم» خود به کار گیرد، که همان جفایی است که او بر قوم امین خدا وارد می آورد.

شراب یک آموزه است، و آموزه ای که او همه ملت ها را به نوشیدن آن می کشاند، آن آموزه دروغینی است که ادعا می کند پرستش خورشید صلح را پدید خواهد آورد. همه ملت ها «نشان» اقتدار او را می پذیرند، که همان پرستش خورشید است، چنان که در عبادت روز یکشنبه نمود یافته است. پذیرفتن آن «نشان» از سوی همه ملت ها، به واسطه قدرت ایالات متحده تحقق می یابد، اما این امر در زمانی انجام می شود که جنگ فزاینده ای به وسیله سومین وای اسلام بر سیاره زمین وارد می گردد. ملت ها «شراب» غضب او را بر پایه وعده «صلح و امنیت» می پذیرند.

«اکنون این سخن از کجا آمده است که گویا من اعلام کرده ام نیویورک باید به وسیله موجی عظیم روبیده شود؟ من هرگز چنین چیزی نگفته ام. آنچه گفته ام این بوده است که، هنگامی که به ساختمان های عظیمی که در آنجا طبقه بر طبقه برپا می شدند می نگریستم، می گفتم: "چه صحنه های هولناکی رخ خواهد داد هنگامی که خداوند برخیزد تا زمین را به شدت بلرزاند! آنگاه سخنان مکاشفه ۱۸:۳-۴ به انجام خواهد رسید." تمام باب هجدهم مکاشفه هشدار می دهد که درباره آنچه بر زمین خواهد آمد. اما من به طور خاص نوری در خصوص آنچه بر نیویورک خواهد آمد ندارم، جز این که می دانم روزی ساختمان های عظیم آنجا به وسیله چرخش و واژگونی قدرت خدا فرو افکنده خواهند شد. از نوری که به من داده شده است، می دانم که هلاکت در جهان است. یک کلام از جانب خداوند، یک لمس از قدرت عظیم او، و این بناهای سترگ فرو خواهند ریخت. صحنه هایی رخ خواهد داد که هراس انگیزی آنها را نمی توانیم تصور کنیم.» Review and Herald, 5 ژوئیه 1906.

پیام فرشته دوم در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تکرار شد، هنگامی که ساختمان های عظیم شهر نیویورک با لمسه ای از دست خدا فرو افکنده شدند.

نبی کہتا ہے، "میں نے ایک اور فرشتہ کو آسمان سے اترتے دیکھا، جس کے پاس بڑا اختیار تھا؛ اور زمین اُس کے جلال سے منور ہو گئی۔ اور اُس نے زور سے بلند آواز میں پکار کر کہا، بڑا بابل گر گیا، گر گیا، اور شیاطین کا مسکن بن گیا" (مکاشفہ 18:2)۔ یہ وہی پیغام ہے جو دوسرے فرشتہ نے دیا تھا۔

بابل گر گیا ہے، ”کیونکہ اُس نے اپنی زناکاری کے غضب کی مے تمام قوموں کو پلائی“ (مکاشفہ 14:8)۔ یہ مے کیا ہے؟—اُس کے جھوٹے عقائد۔ اُس نے چوتھے حکم کے سبت کی جگہ دنیا کو ایک جھوٹا سبت دیا ہے، اور اُس جھوٹ کو بھی دہرایا ہے جو شیطان نے ابتدا میں عدن میں حوا سے کہا تھا—یعنی روح کی طبعی لافانیت۔ اسی طرح کی بہت سی خویش دار گمراہیاں اُس نے دور دور تک پھیلا دی ہیں، ”اور آدمیوں کے احکام کو تعلیم دے کر عقائد ٹھہراتی ہے“ (متی 15:9)۔

»وَقَتِي عَيْسَى خَدَمَتِ عِلْنِي خُود رَا آغَاژ كَرْد، هَيْكَل رَا اَز بِي حَرَمَتِي كَفَرَامِيَز آن پَاك سَاخْت. دَر شَمَار آخِرِيْنَ اَعْمَالِ خَدَمَتِ او نِيَز دُومِيْنَ پَاك سَازِي هَيْكَل بُوَد. بَدِيْن سَانِ، دَر آخِرِيْنَ كَار بَرَايِ هَشْدَار دَاَدَن بَه جِهَان، دُو دَعْوَتِ مَتَمَايِز بَه كَلِيْسَا هَا دَاَدَه مِي شُود. پِيَاْمِ فَرَشْتَه دُوم اَيْنِ اسْت: «بَابِل سَقُوط كَرْدَه اسْت، سَقُوط كَرْدَه اسْت، آن شَهْر عَظِيْم، زِيْرَا هَمَهْ اَمْت هَا رَا اَز شَرَابِ خَشْم زَنَّايِ خُود نُوْشَانِيْدَه اسْت» (مكاشفہ 14:8). و دَر فَرِيَادِ بَلَنْدِ پِيَاْمِ فَرَشْتَه سُوْم، صَدَايِي اَز اَسْمَانِ شَنِيدَه مِي شُود كِه مِي گُويَد: «اَز او بِيْرُونِ آيِيْد، اِي قَوْمِ مَن، مَبَادَا دَر گُناھَانَش شَرِيْك شُويْد، و مَبَادَا اَز بِلَاھَايَش نَصِيْبِي يَابِيْد. زِيْرَا گُناھَانَش تَا بَه اَسْمَانِ رَسِيْدَه اسْت، و خُدا بِي انصَافِي هَايِ او رَا بَه يَاد آورْدَه اسْت» (مكاشفہ 18:4، 5)». Selected Messages, book 2, 118.

میان ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و قانون یکشنبه‌ای که به زودی در ایالات متحده برقرار خواهد شد، سه آیه نخست مکاشفہ هجده تحقق می‌یابند، زیرا فراخوان خروج از بابل از زمان قانون یکشنبه آغاز می‌شود.

»مكاشفہ ۱۸ به زمانی اشاره دارد كه در نتیجۀ رَدِّ هَشْدَار سه گانۀ مكاشفہ ۱۴:۶-۱۲، كلیسا به طور كامل به وضعیتی خواهد رسید كه فرشته دوم آن را پیشگویی كرده بود، و قوم خدا كه هنوز در بابل هستند فراخوانده خواهند شد تا خود را از مشاركت با او جدا سازند. این پیام آخرین پیامی است كه هرگز به جهان داده خواهد شد؛ و كار خود را به انجام خواهد رساند. هنگامی كه آنان كه «حق را نپذیرفتند، بلكه از ناراستی خشنود شدند» (۲ تسالونیکیان ۲:۱۲)، واگذاشته شوند تا دچار گمراهی شدید گردند و دروغ را باور كنند، آنگاه نور حقیقت بر همه كسانی خواهد تابید كه دل‌هایشان برای پذیرش آن گشوده است، و همه فرزندان خداوند كه در بابل باقی مانده‌اند، به این ندا گوش خواهند سپرد: «از او بیرون آید، اِي قَوْمِ مَن» (مكاشفہ ۱۸:۴)». نبرد عظیم، ۳۸۹، ۳۹۰.

در قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد، قوم عهد پیشین دچار ضلالت شدید خواهند شد. از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا زمانی که در قانون یکشنبه ضلالت شدید فرو ریخته شود، پیام فرشته دوم تکرار می‌شود، و این رد کردن، نمایانگر رد «هشدار سه گانه مکاشفہ چهارده، آیات شش تا دوازده» است. از این لحاظ، سه فرشته به وسیله پیام فرشته دوم نمایانده می‌شوند. پیام فرشته دوم این است: «بابل سقوط کرده است، سقوط کرده است»، و پیام فرشته دوم میان پیام اول و سوم قرار داده شده است.

اعلام صدای نخست در باب هجدهم مکاشفہ، تکرار پیام فرشته دوم است، اما نمایانگر رد هر سه فرشته مکاشفہ چهارده می‌باشد. پیام فرشته دوم نماینده هر سه پیام است، و مهر آلفا و امگا را در خود دارد، زیرا در تاریخ جنبش فرشته اول اعلام شد، و سپس بار دیگر در جنبش فرشته سوم اعلام خواهد شد. این پیام تصریح می‌کند که بابل دو بار سقوط کرده است، و در این معنای نبوی، به «کاربرد سه گانه نبوت» اشاره می‌کند.

تُشِير المَرَّتَانِ الْأُولَيَانِ لِسَقُوطِ بَابِل، كَمَا تُمَثِّلُهُمَا بَابِلُ وَبَرْجُ بَابِل، إِلَى السَّقُوطِ النِّهَائِيِّ لِبَابِلِ الْحَدِيثَةِ. وَإِنْ الْإِعْلَانُ الْمَزْدُوجُ عَنْ سَقُوطِ بَابِلِ يَكْتَنِفُهُ أَوَّلُ رِسَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الثَّلَاثَةِ وَآخِرُهَا. وَتَحْمِلُ بَنِيَّةُ رِسَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الثَّلَاثَةِ سِمَةَ الْأَلْفِ وَالْيَاءِ، لِأَنَّ الرِّسَالَةَ الْأُولَى تُعَرِّفُ بِأَنَّهَا «الْإِنْجِيلُ الْأَبَدِيُّ»، الَّذِي يَعْنِي بِحَكْمِ تَعْرِيفِهِ أَنَّهُ الْإِنْجِيلُ الْأَزَلِيُّ، أَوْ رِسَالَةُ الْإِنْجِيلِ عَيْنِهَا فِي كُلِّ زَمَانٍ. أَمَّا رِسَالَةُ الْمَلَائِكَةِ الثَّلَاثِ فَهِيَ رِسَالَةُ الْإِنْجِيلِ الَّتِي تُحَدِّثُ مِنْ قَبُولِ سِمَةِ الْوَحْشِ، وَلِذَلِكَ فَإِنَّ الرِّسَالَةَ الْأُولَى وَالرِّسَالَةَ الثَّلَاثَةَ، وَهُمَا الرِّسَالَتَانِ الْأُولَى وَالْآخِرَةُ، هُمَا الرِّسَالَةُ نَفْسُهَا، لِأَنَّ كِلْتَاهُمَا هُمَا الْإِنْجِيلُ.

الفا و امیگا امضای «حقیقت» را بر این سه پیام نهاد، زیرا واژه عبری ترجمه شده به «حقیقت» به وسیله آن زبان دان شگفت انگیز، از ترکیب نخستین، سیزدهمین، و آخرین حروف الفبای عبری پدید آورده شد. «سیزده» به عنوان نماد، نمایانگر عصیان است، و در پیام دوم است که عصیان بابل، آن گونه که به وسیله تعالیم کاذب و زنا و بازنمایی می شود، مشخص می گردد. چنان که پیشتر نیز اشاره شد، پیام دوم همچنین حامل امضای الفا و امیگا است، زیرا آن پیامی که در تاریخ میلری برای اعلام گشایش دآوری اعلام شد، در جنبش فرشته سوم تکرار می شود تا پایان دآوری را مشخص سازد.

سقوط بابل در باب یازدهم پیدایش، نخستین اشاره به سقوط بابل است، و شهادت طغیان گستاخانه نمرود، مهر پیام فرشته اول را در خود دارد. چنان که در مقالات پیشین نشان داده شد، هر سه پیام سه فرشته نیز در درون پیام فرشته اول قرار دارند. در پیام فرشته اول، عبارت «از خدا بترسید» نمایانگر پیام اول است، و عبارت «او را جلال دهید» نمایانگر پیام فرشته دوم است. پیام سوم نیز در پیام اول یافت می شود، آن گاه که اعلام می دارد: «ساعت دآوری او فرا رسیده است.»

در سقوط نمرود، که نخستین سقوط بابل است، سه گام سه فرشته نیز مشخص می شود. این امر با عبارت «برو به» نشان داده شده است.

اور ساری زمین کی ایک ہی زبان تھی اور ایک ہی بولی۔ اور یوں ہوا کہ جب وہ مشرق کی طرف سے کوچ کرتے ہوئے آئے تو انہوں نے ملک شنعار میں ایک میدان پایا، اور وہیں بس گئے۔ پھر انہوں نے ایک دوسرے سے کہا، آؤ، ہم اینٹیں بنائیں اور انہیں خوب پکائیں۔ چنانچہ ان کے پاس پتھر کی جگہ اینٹ تھی، اور گارے کی جگہ ان کے پاس رال تھی۔ پھر انہوں نے کہا، آؤ، ہم اپنے لیے ایک شہر اور ایک برج بنائیں جس کی چوٹی آسمان تک پہنچے؛ اور ہم اپنے لیے ایک نام پیدا کریں، ایسا نہ ہو کہ ہم تمام زمین کی سطح پر پراگندہ کر دیے جائیں۔ تب خداوند اُس شہر اور اُس برج کو دیکھنے کے لیے اُترا جسے بنی آدم بنا رہے تھے۔ اور خداوند نے کہا، دیکھو، لوگ ایک ہیں اور ان سب کی زبان بھی ایک ہی ہے؛ اور یہ ان کے کام کا آغاز ہے؛ اور اب جو کچھ وہ کرنے کا ارادہ کریں گے اُس میں سے کچھ بھی ان سے باز نہ رکھا جائے گا۔ آؤ، ہم اُتریں اور وہاں ان کی زبان میں ایسی گڑبڑ ڈال دیں کہ وہ ایک دوسرے کی بات نہ سمجھ سکیں۔ پس خداوند نے انہیں وہاں سے تمام زمین کی سطح پر پراگندہ کر دیا؛ اور انہوں نے شہر بنانا چھوڑ دیا۔ اسی سبب سے اُس کا نام بابل رکھا گیا، کیونکہ وہاں خداوند نے تمام زمین کی زبان میں گڑبڑ ڈال دی؛ اور وہیں سے خداوند نے انہیں تمام زمین کی سطح پر پراگندہ کر دیا۔ پیدایش 1:11-9۔

سقوط نخست بابل، کہ بہ صورت بابل نمایانده شده است، در عبارت «بیا» سه بار بیان شده است. هر سه فرشته همگی در فرشته اول بازنمایی شده اند. باب نخست دانیال نیز پیام فرشته اول را بازنمایی می کند، و چنان که پیشتر در این مقالات مشخص شده است، فرایند سه مرحله ای آزمون انجیل جاودانی در مرحله نخست یافت می شود؛ آنگاه که دانیال از خوردن خوراک بابلی امتناع ورزید و در عوض برگزید که خدا را جلال دهد. نخستین آزمون او، آزمون فرشته اول بود که در تاریخ میلریتی، در 11 اوت 1840، با کتابچه ای کوچک نازل شد، همان کتابچه ای که به یوحنا فرمان داده شد آن را بخورد.

سپس آزمونی دیداری به مدت ده روز به او داده شد که تمایزی را میان کسانی که خوراک بابلی را می خوردند و کسانی که، مانند دانیال، بر آن شدند که بقولات بخورند، آشکار ساخت. آزمون دوم دو طبقه پدید آورد، همان گونه که آمدن فرشته دوم در سال 1844 نیز چنین کرد. این آزمون دوم با آزمایش پایان سه سال دنبال شد، جایی که نبوکدنصر دآوری خود را ظاهر ساخت، چنان که با آمدن فرشته سوم در 22 اکتبر 1844 به تصویر کشیده شده است.

پس از طوفان، به نوح دستور داده شد که مذبح ها بنا کند، و چون چنین می کرد، هرگز نباید سنگ هایی را که به کار می برد می برید یا می تراشید، و نیز نباید برای مذبح خود از ملاط استفاده می کرد. نمرود

یاغی از آجر و ملاط استفاده کرد و بدین سان مذبح رابطه عہدی را کہ مقرر شدہ بود کسانی کہ زمین را دوبارہ مسکون می سازند از آن بہرہ گیرند، جعل و بدلی ساخت. نخستین «برو تا» در شہادت نمرود، نمایانگر «عہدی با مرگ» است کہ در طغیان بر ضد نخستین پیام بستہ شد. دومین «برو تا» نمایانگر ساختن برجی (یک کلیسا) و شہری (یک دولت) است. دومین «برو تا» در شہادت نمرود، ترکیب کلیسا و دولت بود، کہ همان زناکاری پیام فرشتہ دوم است. سومین «برو تا» نمایانگر داوری پراکنده ساختن قوم و مشوش کردن زبان بود.

نخستین سقوط بابل، پیام فرشتہ اول را نمونہ وار می نمایاند، و دومین سقوط بابل در آن دو ظہوری کہ عناصر سقوط بابل جدید را پدید می آورند، پیام فرشتہ دوم را نمونہ وار می سازد. چنین است، زیرا سقوط بابل، آن گونه کہ در کتاب دانیال ثبت شدہ است، نمایانگر آغاز و پایان است؛ همان گونه کہ پیام فرشتہ دوم نیز در آغاز و پایان ادونتیسیم اعلام می شود. خواہر وایت بہ طور مشخص بیان کردہ است کہ داوری ای کہ بر بلشصر وارد آمد، بہ وسیلہ داوری ای کہ بر نبوکدنصر وارد شدہ بود، از پیش بہ صورت نمونہ تصویر شدہ بود.

«برای واپسین فرمانروای بابل، همان گونه کہ بہ صورت نمونہ ای برای نخستین فرمانروای آن آمدہ بود، حکم دیدہ بان الہی صادر شد: "ای پادشاہ، ... بہ تو گفتہ می شود کہ سلطنت از تو برچیدہ شدہ است." دانیال 4:31» انبیا و پادشاہان، 533.

دومین سقوط بابل، همانند پیام فرشتہ دوم، مہر آلفا و امگا را بر خود دارد. این مہر در سقوط نخستین و آخرین پادشاہان بابل نمود یافتہ است. داوری و سقوط نبوکدنصر بہ صورت «ہفت زمان» نمایش دادہ شدہ است کہ اشارہ ای بہ «ہفت زمان» لاویان بیست و شش است، و «پراکنده شدن» در داوری و سقوط نمرود نیز اشارہ ای است بہ «ہفت زمان» لاویان بیست و شش. داوری و سقوط بلشصر بہ وسیلہ حروف آتشی نی نمایش دادہ شدہ است کہ جمع آن ہا بہ دو ہزار و پانصد و بیست می رسد، و بدین سان آن نیز اشارہ ای بہ «ہفت زمان» لاویان بیست و شش را مشخص می سازد.

یک «کار بست سہ گانہ نبوت» بہ وسیلہ دو شاہد نخست برقرار می شود؛ همان دو شاہدی کہ ویژگی های تحقق سوم و نہایی را شناسایی و تثبیت می کنند. با سہ سقوط بابل، همان پیامی کہ سقوط بابل را شناسایی می کند، همچنین اصلی را کہ کار بست سہ گانہ نبوت بر آن مبتنی است، شناسایی می نماید. دو سقوط نخست بابل، ویژگی های نبوی سقوط سوم و نہایی را مشخص می کنند.

تاریخ میلری ہا بہ تمام معنی کلمہ در تاریخ Future for America تکرار می شود. در تاریخ میلری، مجموعہ ای از قواعد کہ ویلیام میلر با آن ہا آشنا شد و برای استوار ساختن چارچوب حقیقتی کہ بہ واسطہ آن پیام فرشتہ اول را ارانہ می کرد بہ کار گرفت، یکی از علائم راہ آن تاریخ بود. «کاربرد سہ گانہ نبوت» یکی از قواعدی است کہ در این ایام آخر گردآوری شدہ است تا چارچوب حقیقتی را استوار سازد کہ در آن پیام فرشتہ سوم شناسایی می شود.

تجلیات سہ گانہ روم، ہمراہ با سہ تجلی سقوط بابل، با یکدیگر رابطہ تنگاتنگ دارند، اما در عین حال متمایزند. فاحشہ صور، یا بابل، کہ با پادشاہان زمین زنا می کند، با ایشان یک تن است؛ لیکن بر آن پادشاہان سلطنت می کند، همان گونه کہ ایزابل بر آخاب پادشاہ سلطنت می کرد. روم جدید همان وحش مکاشفہ ہفدہ است کہ فاحشہ بابل جدید بر آن سوار می شود و بر آن فرمان می راند.

ہم اس مطالعہ کو اگلے مضمون میں جاری رکھیں گے۔

«پھر میری آنکھیں اُس جلال سے ہٹا دی گئیں، اور مجھ زمین پر باقی ماندہ جماعت کی طرف متوجہ کیا گیا۔ فرشتہ نے اُن سے کہا، "کیا تم سات آخری آفتوں سے بچنا چاہتے ہو؟ کیا تم جلال میں

جانا اور اُن سب نعمتوں سے متمتع ہونا چاہتے ہو جو خدا نے اُن کے لیے تیار کی ہیں جو اُس سے محبت رکھتے ہیں اور اُس کی خاطر دُکھ اٹھانے پر آمادہ ہیں؟ اگر ایسا ہے تو تمہیں مرنا ہوگا تاکہ تم زندہ رہو۔ تیار ہو جاؤ، تیار ہو جاؤ، تیار ہو جاؤ۔ تمہیں اُس تیاری سے بڑھ کر تیاری درکار ہے جو اب تمہارے پاس ہے، کیونکہ خداوند کا دن آتا ہے، غضب اور سخت قہر کے ساتھ، تاکہ زمین کو ویران کرے اور اُس کے گنہگاروں کو اُس میں سے ہلاک کرے۔ سب کچھ خدا کے لیے قربان کر دو۔ سب کچھ اُس کے مذبح پر رکھ دو—اپنی ذات، اپنی ملکیت، اور سب کچھ—ایک زندہ قربانی کے طور پر۔ جلال میں داخل ہونے کے لیے سب کچھ درکار ہوگا۔ اپنے لیے آسمان میں خزانہ جمع کرو، جہاں نہ کوئی چور نزدیک آ سکتا ہے اور نہ زنگ بگاڑتا ہے۔ اگر تم بعد میں اُس کے جلال میں اُس کے ساتھ شریک ہونا چاہتے ہو، تو یہاں تمہیں مسیح کے دکھوں میں شریک ہونا ہوگا۔»

«آسمان، اگر آں را از راه رنج بہ دست آوریم، بہ قدر کافی ارزان خواہد بود۔ ما باید در سراسر راہ، نفس را انکار کنیم، ہر روز نسبت بہ نفس بمیریم، بگذاریم تنہا عیسی ظاہر شود، و جلال او را پیوستہ در نظر داشتہ باشیم۔ دیدم کہ آنان کہ اخیراً حقیقت را پذیرفتہ اند، باید بدانند کہ رنج کشیدن بہ خاطر مسیح چیست؛ و باید از آزمایش ہایی عبور کنند کہ سخت و جان سوز خواہد بود، تا از طریق رنج، تطہیر شدہ و مہیا گردند تا مہر خدای زندہ را دریافت کنند، از زمان تنگی بگذرند، پادشاہ را در جمالش ببینند، و در حضور خدا و فرشتگان پاک و مقدس ساکن شوند۔»

«وقتی دیدم کہ برای وارث شدن جلال، باید چہ باشیم، و سپس دیدم کہ عیسی چہ اندازہ رنج کشیدہ بود تا برای ما چنین میراثِ گران بہایی را بہ دست آورد، دعا کردم کہ ما در رنج ہای مسیح تعمید یابیم، تا در برابر آزمایش ہا عقب نشینی نکنیم، بلکہ آن ہا را با صبر و شادی متحمل شویم، زیرا می دانیم کہ عیسی چہ رنج ہایی کشید تا ما بہ واسطہ فقر و رنج ہای او دولتمند گردیم۔ فرشتہ گفت: «نفس را انکار کنید؛ باید با شتاب گام بردارید۔» برخی از ما فرصت داشتہ ایم کہ حقیقت را دریابیم و گام بہ گام پیش برویم، و ہر گامی کہ برداشتہ ایم، بہ ما نیرو دادہ است تا گام بعدی را برداریم۔ اما اکنون زمان نزدیک بہ پایان است، و آنچه ما سال ہا صرفِ آموختنش کردہ ایم، آنان باید در چند ماہ بیاموزند۔ آنان ہمچنین چیزہای بسیاری را باید از نو وانہند و بسیار چیزہا را دوبارہ بیاموزند۔ کسانی کہ نمی خواہند ہنگامی کہ فرمان صادر می شود، نشان وحش و تمثال او را بپذیرند، باید اکنون این قاطعیت را داشتہ باشند کہ بگویند: نہ، ما نہادِ وحش را بہ رسمیت نخواہیم شناخت۔» Early Writings, 67.